



سال نهم • پاییز و زمستان ۱۴۰۲ • شماره ۱۹

Biannual Journal of Islamic Psychology

Vol. 9, No. 19, Autumn & Winter 2024

سنجش دینداری در مسلمانان: مرور و نقد «تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»

ناصر آقابابائی*

چکیده

قدمت روان‌شناسی تجربی دین تقریباً به قدمت خود روان‌شناسی تجربی است. از زمان تأسیس روان‌شناسی علاقه پژوهشی به دین و دینداری در متن یا حاشیه جریان اصلی روان‌شناسی بوده است. این توجه و علاقه موجب پژوهش‌های فراوان، ساختن آزمون‌های روان‌شناختی گوناگون، نگارش کتاب‌های علمی، و تدریس دوره‌های تخصصی روان‌شناسی دین در دانشگاه‌های سراسر دنیا شد. در این مقاله، با روش مرور و نقد کتاب، یکی از کتاب‌های مربوط به روان‌شناسی دینداری، با نام تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، تألیف مسعود آذربایجانی، پس از دو دهه از انتشار آن معرفی و ارزیابی نقادانه می‌شود. بررسی نویسنده مقاله پیش رو نشان می‌دهد که این کتاب مشتمل بر معرفی ابزاری پایاست که جهت‌گیری دینی یا انواع دینداری را نمی‌سنجد، نامرتبط با خودشناسی است، و ابعاد دینداری در آن مشخص نیست. مقیاس معرفی شده در کتاب، مقیاسی پایا و روا در زمینه سنجش دینداری عمومی یا درست‌آیینی اسلامی است. در پایان مقاله، مفهوم «جهت‌گیری دینی» و مقیاس‌های سنجش آن مرور شد.

کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری دینی، روان‌شناسی دین، اسلام، دینداری، مرور و نقد کتاب.

تقریباً از زمان مؤسسان رشته روان‌شناسی در قرن نوزدهم روان‌شناسان برجسته‌ای مانند ویلهلم وونت، ویلیام جیمز، استنلی هال، زیگموند فروید، و کارل گوستاو یونگ پژوهش‌های روان‌شناختی دین را آغاز کردند. اما پس از برخی تلاش‌های پیش‌گامانه این دوره، از پژوهش‌های روان‌شناختی دین به گونه چشمگیری کاسته شد. این تا اندازه‌ای ناشی از تحول نظریه‌های واتسون درباره رفتارگرایی دانسته شده است. اما گویا اصطلاح «روان‌شناسی دین» را نخستین بار یکی از دانشجویان جیمز و هال به نام ادوین دیلر استارباک^۱ (۱۸۶۶-۱۹۴۷) در سال ۱۸۹۹ در عنوان کتابش^۲ به کار برد (کیتو،^۳ ۲۰۱۶). با اینکه موضوع دین از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در قلمرو روان‌شناسی حضور داشته است، روان‌شناسی تجربی دین عملاً از نیمه قرن بیستم وجود یافت، زمانی که روان‌شناسان تأیید کردند دین در واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و روان‌شناختی‌ای که انسان‌ها با آن روبه‌رو می‌شوند نقش دارد. گرچه متخصصان علوم اجتماعی و روان‌شناسان خود دین را مطالعه نمی‌کنند، آنچنان که الاهی‌دانان یا فیلسوفان بررسی می‌کنند. متخصصان علوم اجتماعی چگونگی تعامل دین با سایر تجربه‌های بشری را می‌کاوند. آنها روش‌های علمی دقیق را به کار می‌گیرند و این به معنای مطالعه رفتار دینی یا دینداری است نه خود دین.

به گفته حق و مسوان^۴ (۲۰۰۲)، به چندین علت، روان‌شناسی عموماً با استقبال سردی در میان کشورهای مسلمان مواجه شد. نخست، شهرت روان‌شناسی به عنوان علمی سکولار و ظاهراً رد شدن بُعد معنوی در انسان‌ها در این دانش. در واقع، روان‌شناسی دین چه‌بسا حتی رشته‌ای ملحدانه دیده شود، چنان‌که برخی افراد گمان می‌کنند این حوزه روان‌شناسی در صدد است ایمان مردم را تحلیل و در آن تردید ایجاد کند و باورهای دینی افراد را کوچک جلوه دهد. علت دوم آن است که بسیاری از مردم واقعاً نمی‌دانند روان‌شناسی چیست و روان‌شناسی دین چه می‌کند. سوم آنکه، تنوع دینی و فرهنگی جوامع مسلمان موجب تعارض جهانی‌بینی‌ها و ایجاد مشکل برای سنجش ارزش‌های دینی افراد می‌شود. برای برخی مسلمانان کمی‌کردن دین خلاف ادب و ناپذیرفتنی است. مسئله‌ای مرتبط ایجاد علاقه به روان‌شناسی دین در دانشگاه است، جایی که این

1. Edwin Diller Starbuck

2. Psychology of Religion

3. Kato, H.

4. Haque, A.; Masuan, K. A.

رشته می‌تواند نضج یابد. راه آن عبارت است از تربیت مدرسان روان‌شناسی دین، تألیف کتاب‌های درسی، و تنظیم سرفصل‌های مربوط به دوره‌ها و برنامه‌های درسی مرتبط با روان‌شناسی دین. دانش درباره دین و تأثیر آن بر دنیا بخش مهمی از آموزش است. سواد دینی می‌تواند درک دانشجویان از اختلاف‌ها و تعارض‌ها در جامعه و توانایی‌شان در تعامل با هم را بیفزاید. دیدگاه‌های روان‌شناختی درباره رفتار و اندیشه دینی درک ما را از افراد و جامعه افزایش می‌دهد؛ درس روان‌شناسی دین شیوه‌ای برای افزایش دانش دانشجویان از اصول پایه‌ای روان‌شناسی و کاربرت‌شان را نشان می‌دهد. دوره‌های درسی روان‌شناسی دین فرصتی فراهم می‌آورد که به دانشجویان نشان دهیم چگونه موضوعی واحد (یعنی دین) را می‌توان از دیدگاه‌های روان‌شناختی متفاوتی، از جمله زیستی، تحولی، اجتماعی، تکاملی، و امثال آنها دید. اما منابع تدریس برای این دوره درسی^۱ در مقایسه با سایر حوزه‌های روان‌شناسی، نسبتاً اندک است. برخی کتاب‌ها مروری کلی از این حوزه فراهم می‌آورد، برخی دیگر بر نمونه‌های خاصی از پژوهش در این حوزه تمرکز می‌کند، و عده‌ای عمدتاً بر نظریه‌های کلاسیکی متمرکز است که روان‌شناسان برای درک دینداری به کار برده‌اند (نیلسن و سیلور،^۲ ۲۰۱۵). برای مدرسانی که به نظریه‌های کلاسیک و دیدگاه‌های تاریخی علاقه‌مندند چندین کتاب به زبان فارسی وجود دارد. تنوع تجربه دینی نوشته ویلیام جیمز (۱۹۰۲، ۲۰۰۴) یکی از این کتاب‌هاست که نگارش این کتاب به بیش از ۱۲۰ سال پیش باز می‌گردد. نسخه فارسی این کتاب به همت کیانی (۱۳۹۱) منتشر شده است. کتاب وولف (۱۹۹۷)، با نام روان‌شناسی دین: دیدگاه‌های کلاسیک و معاصر، کتاب دیگری در این قلمرو است که ترجمه فارسی آن به همت دهقانی (۱۳۸۶) در دسترس فارسی‌زبانان قرار گرفته است. دسته دیگری از کتاب‌ها متمرکز بر موضوع‌هایی عمومی است که پژوهشگران این حوزه آنها را بررسی کرده‌اند. این دسته کتاب‌ها گستره این حوزه و ارتباط‌هایش با سایر موضوع‌ها در روان‌شناسی را نشان می‌دهد. کتاب روان‌شناسی دین: از دیدگاه تجربی نوشته اسپیلکا و همکارانش (۲۰۰۳) نمونه‌ای عالی از این کتاب‌هاست. برگردان فارسی این کتاب نیز از دهقانی (۱۳۹۱) است. هدف مقاله پیش رو مرور و نقد کتاب تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام نوشته آذربایجانی (۱۳۸۲)



1. Course

2. Nielsen, M. E.; Silver, C. F.

است. پیش از معرفی کتاب و نویسنده‌اش، مقدمه کوتاهی درباره جایگاه «مرور و نقد کتاب»^۱ شایسته می‌نماید.

جایگاه مرور و نقد کتاب

کتاب‌ها مخزن دانش اند و نقش مهمی در نشر آن دارند. نوشتن و چاپ کتاب بسیار زمان‌بر است. شاید به این علت و هزینه‌های همایند با آن، کتاب‌ها برای نشرِ مفاهیمی در نظر گرفته می‌شوند که تثبیت شده‌اند. اما مقاله‌های مجلات ارتباط سریع اندیشه‌های جدید به جامعه دانشوران را میسر می‌کنند. نویسندگان مقاله‌های علمی می‌کوشند پیشرفته‌ترین یا جدیدترین پژوهش‌های دانشگاهی را به مخاطبانی عرضه کنند که عمدتاً دانشگاهی‌اند، ولی کتاب‌ها برای مخاطبان گسترده‌تری در نظر گرفته می‌شوند. کتاب‌ها معمولاً عمر بیشتر، شکل بادوام‌تر، و جذابیت زیبایی‌شناختی بیشتری دارند و به احتمال بیشتر در خارج از دانشگاه خوانده می‌شوند. از آن‌رو که کتاب‌های فراوانی هر ساله منتشر می‌شود کسی نمی‌تواند رد همه‌شان را بگیرد، چه رسد به اینکه آنها را بخواند و هضم کند. از این‌رو «مرور و نقد کتاب» بخش مهمی از مجلات است (زینکهن و کلارک، ۱۹۹۵)^۲.

برای متخصصان اغلب رشته‌ها خواندن همه کتاب‌های مرتبط با رشته‌شان عملاً ناممکن است؛ پایه‌پای حوزه‌های تخصصی پیش‌رفتن دشوار است. خوانندگان، از طریق مرور و نقد کتاب، می‌توانند دریابند چه چیزی دارد منتشر می‌شود، کتاب‌های جدید چه تناسبی با آثار پیشین و چه دخلی به بحث‌های جاری دارند، و اینکه آیا کتاب‌ها شایسته مذاقه بیشترند یا نه. خوانندگان نویسندگان ممکن است نگاه‌های متفاوتی به هدف‌های مرور و نقد کتاب داشته باشند، اما هر دو گروه به مرور و نقدهای معتبر علاقه‌مندند (اینگرم و میلز، ۱۹۸۹)^۳. مقاله «مرور و نقد کتاب» در جامعه مجلات ایرانی و نزد پژوهشگران ایرانی جایگاه مناسبی ندارد. اهمیت این دسته مقاله‌ها در میان دانشمندان سایر کشورها را با یک مثال می‌توان نشان داد. هانس آیزنک (۱۹۱۶-۱۹۹۷) یکی از روان‌شناسان برجسته قرن گذشته و پُرکارترین پژوهشگر و نویسنده بریتانیا بود. او در ۱۷ سال آخر زندگی‌اش (از ۶۴ تا ۸۱ سالگی) دست‌کم ۶۲۵ اثر علمی، به جز کتاب، شامل ۳۸۴ مقاله «مرور و

1. Book Review

2. Zinkhan, G. M.; Clark, T.

3. Ingram, H. M.; Mills, P. B.

نقد کتاب»، منتشر کرد. جست‌وجوی نام او در نمایه استنادی «وب آو ساینس»^۱ به ۱۲۴۰ نتیجه، شامل ۶۲۸ مقاله «مرور و نقد کتاب»، انجامید. او در زمان مرگش پُر استنادترین روان‌شناس زنده بود و در طول پنجاه سال، انبوهی از آثار علمی تأثیرگذار تولید کرد که به شکل‌گیری روان‌شناسی علمی و حرفه‌ای مدرن کمک کرد (اندرسن و دیگران،^۲ ۲۰۲۱).

معرفی کتاب تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام

این کتاب را پژوهشکده حوزه و دانشگاه (که بعداً به پژوهشگاه تبدیل شد) در زمستان ۱۳۸۲ منتشر کرد. این کتاب ۱۷۴ صفحه‌ای، که تا لحظه نگارش این سطور (زمستان ۱۴۰۲) به چاپ چهارم رسیده، مشتمل بر یک مقدمه و پنج فصل است. نویسنده، کتاب را به این پنج فصل اصلی دسته‌بندی کرده است: ۱. کلیات (شامل مقدمه‌ای درباره فواید و کنش‌های اساسی دین در زندگی)؛ ۲. مبانی نظری (شامل تاریخچه ادیان؛ تعاریف دین؛ تاریخچه آزمون‌های روانی؛ روش‌های دین‌پژوهی؛ ابعاد دینداری اسلامی؛ و تاریخچه نظریه‌های روان‌شناختی دین)؛ ۳. روش تحقیق و اجرای پژوهش (شامل شرح روش تحقیق)؛ ۴. ارائه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش (شامل توصیف و تحلیل داده‌های آماری)؛ و ۵. تحلیل نهایی و تفسیر داده‌ها (شامل بحث و نتیجه‌گیری). در بخش پیوست‌ها متن «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام» آورده شده است. این دسته‌بندی مطالب عملاً دسته‌بندی گزارش پژوهشی یا پایان‌نامه دانشگاهی است.

نویسنده کتاب، مسعود آذربایجانی، دارای تحصیلات حوزوی، کارشناسی ارشد روان‌شناسی، و دکترای کلام جدید (فلسفه دین) است. او تاکنون کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در حوزه‌های روان‌شناسی دین و روان‌شناسی اسلامی منتشر کرده و هم‌اکنون استاد گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است. آذربایجانی (۱۳۸۰) پیش از انتشار این کتاب گزارشی از ساخت مقیاسش را در قالب مقاله نیز منتشر کرده است. ساخت این مقیاس بخشی از پژوهش مربوط به پایان‌نامه کارشناسی ارشد وی در رشته روان‌شناسی بالینی با راهنمایی پریرخ دادستان (۱۳۸۹-۱۳۱۲) بود.

بررسی و نقد کتاب «تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»

این کتاب دانشگاهی گزارشی است از ساختن آزمونی روان‌شناختی به زبان فارسی که متناسب با فرهنگ اسلامی است. مخاطبان کتاب پژوهشگرانی هستند که به سنجش دینداری در ایران علاقمندند. کتاب درسی نیست، اما اطلاعات خوبی در آن گردآوری شده و مدرسان مسلط به



1. Web of Science

2. Andersen, N.; Corr, P. J.; Furnham, A.

موضوع آزمون‌های روانی^۱ و روان‌شناسی دین می‌توانند از آن به مثابه کتابی جانبی برای دو درس یادشده استفاده کنند. نویسنده با تأکید بر «ضرورت تهیه ابزار و مقیاس سنجش دینداری یا جهت‌گیری مذهبی» (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۳) تاریخچه مفصلی از ادیان، شرحی مناسب از ابعاد دینداری در اسلام از نگاه مرتضی مطهری، محمدتقی مصباح یزدی، و دیگران، توضیح جامعی از اصول سنجش روانی، و تاریخچه‌ای مختصر از آزمون‌گیری روانی فراهم آورده است. اما از تاریخچه جهت‌گیری دینی یا مذهبی اثری در کتاب دیده نمی‌شود. نویسنده صرفاً در صفحه ۹۶ اشاره‌ای چندسطری به آزمون جهت‌گیری دینی آلپورت کرده است. آذربایجانی، دو دهه بعد، هنگام انتشار مقاله‌ای درباره نسخه کوتاه این پرسش‌نامه (آذربایجانی و دیگران، ۱۴۰۲) هنوز از ذکر هر آزمون جهت‌گیری دینی، به جز مقیاس آلپورت، سر باز زده است، حال آنکه شایسته بود تاریخچه مفهوم «جهت‌گیری دینی» و انواع مقیاس‌های ساخته‌شده با نام «جهت‌گیری دینی» مرور می‌شد (به جای بیان تاریخچه سنجش روانی یا مرور هر نوع مقیاسی که نام «دین» را به یدک می‌کشد). همان‌طور که در نقل‌قول بالا و در جای‌جای کتاب دیده می‌شود نویسنده «جهت‌گیری دینی» را مترادف با «دینداری» به کار می‌برد؛ مثلاً در صفحه ۶۳ می‌گوید آزمون جهت‌گیری دینی «ناظر به ویژگی‌های فرد از جهت دینداری است». روشن نیست اگر نویسنده کتاب بنا بود ابزاری برای سنجش دینداری بسازد چرا خود و دیگران را با انتخاب اصطلاح پُرطمطراق «جهت‌گیری دینی/ مذهبی» به زحمت انداخته است. او برای نشان‌دادن معنای «جهت‌گیری» در عبارت «جهت‌گیری دینی/ مذهبی» به سراغ لغت‌نامه‌های دهخدا و معین رفته است (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵). اما مراجعه این چنینی به لغت‌نامه درست نیست؛ مانند آنکه ما برای پی‌بردن به کیستی فرد خاصی به سراغ فرهنگ لغات برویم و در آنجا معنای نام خانوادگی او را جست‌وجو کنیم. به همین قیاس، مراجعه به فرهنگ‌نامه‌های غیرتخصصی برای دریافتن معنای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی نادرست است. «جهت‌گیری» دینی اصطلاحی است که گویا آلپورت برای نخستین بار آن را به کار برده است. پس فارغ از معنای لغوی اش در فرهنگ‌نامه‌های فارسی یا انگلیسی، باید بینیم معنای

۱. دوره درسی آزمون‌های روانی جزئی از بسیاری از برنامه‌های درسی (curriculum) روان‌شناسی و رشته‌های مرتبط با آن در ایران است. هدف از این درس آشنایی با بنیان‌های نظری و نیز کاربرد آزمون‌های مختلف روان‌شناختی است. این درس به تناسب موضوع و محتوای برنامه درسی و بنا به سلیقه طراحان برنامه درسی می‌تواند دربردارنده آزمون‌های مختلفی برای آموزش به دانشجویان باشد.

اصطلاحی اش چیست.

آذربایجانی (۱۳۸۲، ص ۲۶) «جهت‌گیری دینی» را این‌چنین تعریف می‌کند: «روی‌آورد کلی شخص که از مذهب اتخاذ کرده است؛ یعنی در ارتباط با موجودی متعالی (قدسی) مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و تشریفات خاص را در زندگی دارد». طبق این تعریف، ما با چیزی به نام «روی‌آورد کلی» شخص سر و کار داریم. آن روی‌آورد کلی ممکن است ضددینی باشد؛ نویسنده احتمالاً چنین منظوری ندارد، اما تعریفش چنین شمولی دارد. از قضا، مؤلفان برخی از مقیاس‌های جهت‌گیری دینی صراحتاً از اشمال عبارت «جهت‌گیری دینی» بر روی‌گرداندن از دین (افزون بر روی‌آوردن به دین) تصریح می‌کنند (کراوس و هود، ۲۰۱۳).^۱ آذربایجانی (۱۳۸۲، ص ۲۷) هدف از ساخت این مقیاس را «تهیه و ارائه پرسش‌نامه معتبری» می‌داند که «بتواند روی‌آورد کلی شخص را که از دین اسلام به صورت مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال، و تشریفات و ... اتخاذ کرده، بسنجد». او می‌گوید در یافتن مجموعه یادشده به سراغ قرآن و الکافی (اثر کلینی) رفته و اشاره می‌کند که افزون بر دو منبع یادشده از ادیان دیگر هم استفاده خواهد کرد؛ او سومین منبعش برای ساخت آزمون را «مواد و عناصر مشترک ادیان» دانسته است. به گفته او، «عناصر مشترکی در ادیان است که می‌توان از آنها با عنوان «جهت‌گیری مذهبی عمومی یا کلی» یاد کرد» (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۳۷). اما عملاً اثری از این دسته یافته‌های او در کتاب و در مقیاسش نمی‌بینیم. ضمن اینکه نویسنده توضیح نمی‌دهد که چرا باید اصلاً سراغ عناصر مشترک ادیان برود.

در فصل سوم، متن آیات و روایات مربوط به مقوله‌های نظری استخراج‌شده در جداول متعدد آورده شده است. روایات، برخلاف وعده پیشین که از الکافی باشد، از منابع متعددی آورده شده است. در اینجا بر دسته‌بندی مصباح یزدی تکیه شده است. نویسنده در عناوین جداول حاوی آیات و روایات از عبارت «خزانه سؤالات» استفاده کرده، حال آنکه محتوای جداول صرفاً مشتمل بر متن آیات و روایات است نه پرسش‌ها یا گزاره‌های برگرفته از آیات و روایات. بنابراین، «خزانه» خواندن این جداول نادرست است. نکته شایان ذکر دیگر «عامل» نامیدن خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه است. نویسنده، در فصل چهار، از تحلیل عاملی برای بررسی ساختار پرسش‌نامه‌اش استفاده نکرده است. از این‌رو «عامل» خواندن ابعاد فرضی این پرسش‌نامه محل اشکال است.

1. Krauss, S. W.; Hood, R. W., Jr.

بهرتر بود از واژه دیگری مانند «بُعد» استفاده می‌شد.

بر مبنای تقسیم‌بندی اسپیلکا و همکارانش (۲۰۰۳، ترجمه دهقانی، ۱۳۹۱) درباره رویکردهای سه‌گانه به بُعدمندکردن دینداری (شامل رویکردهای منطقی، منطقی-تجربی، و تحلیل عاملی) می‌توان گفت ابعاد دو یا سه‌گانه موجود در این مقیاس منطبق بر هیچ رویکردی نیست. اما ابعاد ده‌گانه‌ای که در ساخت مقیاس بر آنها تکیه شده است (اقتباس شده از طبقه‌بندی مصباح یزدی) به «رویکرد منطقی» نزدیک است. به هر رو، چون شواهد تجربی مانند تحلیل عاملی و امثال آنها بر استخراج ابعاد دینداری در پرسش‌نامه آذربایجانی (۱۳۸۲) تأثیر نداشته است رویکردش به بُعدمندکردن دینداری از نوع تحلیل عاملی (و حتی منطقی-تجربی) نیست. آذربایجانی، به‌تازگی با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، در ساختن نسخه کوتاه و ۲۹ گویه‌ای این پرسش‌نامه، به سه عامل دست یافت: جهت‌گیری مناسکی و ارتباط با اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ جهت‌گیری دین‌محورانه؛ و جهت‌گیری خداسو و آخرت‌نگر (آذربایجانی و دیگران، ۱۴۰۲). این نام‌گذاری‌ها نیز جای تأمل دارد؛ مثلاً دین‌محورانه‌نامیدن بخشی از مقیاسی که کلش درباره دینداری است درست نمی‌نماید.

نویسنده کتاب، آزمون جهت‌گیری مذهبی را «در مجموعه آزمون‌های شخصیت و دیگر ویژگی‌های عاطفی قرار» می‌دهد و می‌افزاید که «احتمالاً می‌توانیم از جهت نظری، مجموعه ویژگی‌هایی که جهت‌گیری مذهبی را در یک فرد نشان می‌دهد، مشابه با تحلیل عوامل شخصیت و بر مبنای الگوی سلسه‌مراتبی ارائه کنیم» (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۶۳). او در جای دیگر ایمان و شخصیت را در هم آمیخته است: «در اینجا می‌توانیم «ایمان» را به عنوان هسته نظریه شخصیت که جهت‌گیری مذهبی را سامان می‌دهد، در نظر بگیریم» (همان، ص ۶۶). حال آنکه در نظر روان‌شناسان شخصیت عموماً دینداری از جنس شخصیت و رگه‌های آن قلمداد نمی‌شود. دینداری مستقل از شخصیت است (اشتن و لی، ۲۰۱۴). نویسنده در پایان کتاب، در بخش پیوست‌ها، مقیاسش را «پرسش‌نامه خودشناسی بر اساس جهت‌گیری مذهبی اسلامی» نامیده است (ص ۱۶۱). ربط این مقیاس به «خودشناسی» مشخص نیست. در هیچ جای کتاب نیز، به جز همین بخش پیوست‌ها، به خودشناسی اشاره‌ای نشده است.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه رفتار دینی مستلزم سنجش آن است و این با ساختن ابزارهای روا و پایای دینداری میسر می شود. شناخته شده ترین مقیاس جهت گیری دینی ساخته آلپورت و راس^۱ (۱۹۶۷) است. اما مقیاس های دیگری هم وجود دارد که می توان به آنها اشاره کرد، مانند مقیاس درونی/ برونی^۲ (فیگن،^۳ ۱۹۶۴)، مقیاس انگیزش دینی درونی^۴ (هوک،^۵ ۱۹۷۲)، مقیاس تجدیدنظر شده جهت گیری دینی^۶ (گورساج و مکفارسن،^۷ ۱۹۸۹)، مقیاس های جست و جوگری^۸ (بتسون و شونرید،^۹ ۱۹۹۱)، مقیاس های آیرن راد- لایوها^{۱۰} (نیلسن،^{۱۱} ۱۹۹۱)، مقیاس ماندگاری^{۱۲} (بوریس و تارپلی،^{۱۳} ۱۹۹۸)، مقیاس های جهت گیری دینی مسلمان مسیحی^{۱۴} (قربانی و دیگران،^{۱۵} ۲۰۰۲)، شاخص های جدید جهت گیری دینی^{۱۶} (فرانسیس،^{۱۷} ۲۰۰۷)، سیاهه جهت گیری دینی چرخشی^{۱۸} (کراوس و هود،^{۱۳} ۲۰۱۳)، و شاخص های تجدیدنظر شده جدید جهت گیری دینی^{۱۹} (فرانسیس و دیگران،^{۲۰} ۲۰۱۶).

فارغ از اینکه نظریه پردازان چگونه «دین» را تعریف کرده اند، همگی توافق دارند که افراد به شیوه های متفاوتی به دین روی می آورند. «دین»، یا درست تر بگوییم، «دینداری» سازه ای چندوجهی است. برخی از ابعاد دینداری در جمعیت عمومی به خوبی شناخته شده اند (مانند تشریفات دینی) در حالی که برخی دیگر را عمدتاً متخصصان می شناسند (مانند دینداری درونی و دینداری بالغانه). شیوه های متنوعی را که افراد به دین روی می آورند «جهت گیری دینی» می خوانند.

1. Allport, G. W.; Ross, M.
2. Intrinsic/ Extrinsic Scale
3. Feagin, J. R.
4. Intrinsic Religious Motivation Scale
5. Hoge, D. R.
6. The Religious Orientation Scale-Revised
7. Gorsuch, R. L.; Mcpherson, S. E.
8. Quest Scales
9. Batson, C. D.; Schoenrade, P.
10. Iron Rod-Liahona Scales
11. Nielsen, M. E.
12. Immanence Scale
13. Burris, C. T.; Tarpley, W. R.
14. Muslim-Christian Religious Orientation Scales
15. Ghorbani, N.; Watson, P. J.; Ghramaleki, A. F.; Morris, R. J.; Hood, R. W., Jr.
16. New Indices of Religious Orientation
17. Francis, L. J.
18. The Circumplex Religious Orientation Inventory
19. New Indices of Religious Orientation Revised
20. Francis, L. J.; Fawcett, B. G.; Robbins, M.; Stairs, D.



«جهت‌گیری دینی» به خود دین یا ابعاد دین اشاره ندارد. دو شیوه مهم برای تعریف «جهت‌گیری دینی» وجود دارد. شاید رایج‌ترین تعریف «جهت‌گیری دینی» عبارت است از اینکه چرا فرد متدین است. به بیان دیگر، «جهت‌گیری دینی» عبارت است از انگیزه فرد از دینداری (فرانسویس و دیگران، ۲۰۱۶). این تعریف تلویحاً اشاره دارد که افراد غیر مذهبی فاقد جهت‌گیری دینی‌اند، چراکه دین ندارند. تعریف دیگر از «جهت‌گیری دینی» عبارت است از شیوه‌ای که فرد به دین روی می‌آورد (یا از دین روی برمی‌گرداند). در بیشتر جنبه‌ها این تعریف شبیه تعریف اول است، اما برخلاف تعریف نخست، این تعریف اشاره دارد که افراد غیر مذهبی هم می‌توانند جهت‌گیری دینی داشته باشند، چراکه همگان به گونه‌ای به دین روی می‌آورند یا از آن دوری می‌کنند (کراوس و هود، ۲۰۱۳؛ ایساک و دیگران،^۱ ۲۰۱۷).

با توجه به تعریف و توضیح بالا درباره مفهوم «جهت‌گیری دینی» چند نکته روشن می‌شود؛ نخست آنکه، پرسش‌نامه ساخته آذربایجانی (۱۳۸۲) جهت‌گیری دینی را نمی‌سنجد؛ دوم آنکه، این مقیاس پایاست (عمدتاً با تکیه بر پایایی درونی با روش آلفای کرونباخ در پژوهش‌های متعدد، از جمله: آذربایجانی، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۲؛ آذربایجانی و دیگران، ۱۴۰۲)؛ سوم آنکه، این مقیاس می‌تواند روان نیز باشد، منوط به آنکه مقصود از «جهت‌گیری مذهبی» در عنوان مقیاس واقعاً سنجش جهت‌گیری دینی / مذهبی مصطلح نباشد. در میان آزمون‌های روان‌شناختی نمونه‌هایی را می‌توان یافت که نام مقیاس گویای آنچه می‌سنجد نیست. اما این مطلب ناگفته مانده است که این مقیاس دقیقاً چه چیزی را می‌سنجد. با توجه به محتوای مقیاس باید گفت این مقیاس «دینداری عمومی» یا چیزی به نام «راست‌کیشی اسلامی» را می‌سنجد، چنان‌که جی و ابراهیم^۲ (۲۰۰۷) مقیاسشان را «مقیاس راست‌کیشی اسلامی»^۳ نامیده‌اند. با مقیاس ساخته آذربایجانی (۱۳۸۲) صرفاً میزان مسلمان بودن فرد یا پای‌بندی‌اش به اسلام را می‌توان سنجید. این مقیاس برای سنجش «ابعاد» دینداری هم مناسب نیست. در بهترین حالت، اگر مقیاس آذربایجانی (۱۳۸۲) را مبتنی بر رویکرد منطقی به بُعدمند کردن دینداری بدانیم آنگاه همان‌طور که اسپیلکا و همکارانش (۲۰۰۳، ترجمه دهقانی، ۱۳۹۱) تصریح کرده‌اند باید بدانیم که ابعاد مبتنی بر رویکرد منطقی در پژوهش‌های تجربی معمولاً تفاوتی حاصل نمی‌کنند؛ «آنها با یکدیگر همبستگی زیادی دارند» (اسپیلکا و دیگران، ۲۰۰۳، ترجمه

1. Isaak, S. L.; James, J. R.; Radeke, M. K.; Krauss, S. W.; Schuler, K. L.; Schuler, E. R.

2. Ji, C. C.; Ibrahim, Y.

3. Islamic Doctrinal Orthodoxy

دهقانی، ۱۳۹۱، ص ۴۰). اما اظهار نظر قطعی درباره مناسب بودن این مقیاس برای سنجش «ابعاد» دینداری نیازمند مذاقه در آن ابعاد و بررسی نتایج ده‌ها پژوهشی است که تاکنون با این مقیاس انجام شده است. به هر رو، قاطعانه می‌توان گفت این مقیاس چیزی به نام «انواع» دینداری را نمی‌سنجد. همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، نام پُرطمطراق «جهت‌گیری» دینی برازنده مقیاسی است که با آن بتوان «انواع» دینداری را سنجید، آنچه در پرسش‌نامه ساخته آذربایجانی (۱۳۸۲) شدنی نیست.

تعداد کتاب‌هایی که هر ساله منتشر می‌شود بی‌اندازه و در نتیجه داشتن حساب همه کتاب‌های تازه انتشار یافته دشوار است. در نتیجه، مقاله‌های مرور و نقد کتاب مهم‌اند. مقاله‌های «مرور و نقد کتاب»، و نه خود کتاب‌ها، موتورهای اصلی تغییر در تاریخ اندیشه بشر قلمداد شده‌اند. نویسندگان مقاله‌های مرور و نقد کتاب، هنگام نوشتن مقاله، معمولاً متأثر از صلاحیت‌ها، پس‌زمینه، و تجربه‌های شخصی‌شان هستند که در گذر زمان تغییر می‌کنند. چه‌بسا مرورکننده موضعش را تغییر دهد و با گذشت زمان کتاب را به گونه دیگری ببیند اما مقاله «مرور و نقد کتاب» برای همیشه در دیدگان جهانیان خواهد ماند. یک مقاله مرور منفی می‌تواند همکاران را به دشمنان تبدیل کند و مرورکننده باید همیشه بکوشد از نوشتن چیزی که ممکن است احساس پشیمانی کند بر حذر باشد (گرینگارتن و فرناندز-کالینز،^۱ ۲۰۱۴). نویسندگان کتاب‌ها نیز چه‌بسا نظرشان را پس از انتشار تغییر دهند. نویسنده کتاب «تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام» از این قاعده مستثنا نیست؛ او نیز ممکن است، با گذشت زمان، دیگر به برخی مطالب این کتاب قائل نباشد؛ مثلاً اکنون مقیاسش را با قید «خودشناسی» همراه نمی‌کند (آذربایجانی و دیگران، ۱۴۰۲). هدف این مقاله نقد نویسنده کتاب، دانش او، یا جایگاهش در جامعه علمی نیست. در واقع، با توجه به زمان نگارش این اثر، که به دو دهه پیش باز می‌گردد، و این واقعیت که پژوهش مندرج در کتاب برگرفته از پژوهش نویسنده آن در مقطع کارشناسی ارشد است این کتاب و نویسنده‌اش شایسته تقدیر به نظر می‌رسند. روان‌شناسی فرهنگی و ام‌دار این قبیل تلاش‌های شجاعانه، در توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی هنگام استخراج مفاهیم روان‌شناختی و ساختن ابزارهای سنجش روانی، است. امید است این دست نقد و مرورهای سازنده به جریان روان‌شناسی علمی در ایران کمک کند.



1. Gringarten, H.; Fernández-Calienes, R.

فهرست منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۰). «آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام»، در: فصل‌نامه حوزه و دانشگاه، ش ۲۹، ص ۳۶-۶۱.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲). تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آذربایجانی، مسعود؛ و دیگران (۱۴۰۲). «ساختار عاملی مقیاس جهت‌گیری مذهبی؛ نسخه سوم»، در: پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ش ۱۸، ص ۱-۱۸.
- اسپیلکا، برنارد؛ و دیگران (۲۰۰۳). روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی، ترجمه: محمد دهقانی (۱۳۹۰). تهران: رشد.
- جیمز، ویلیام (۲۰۰۴/۱۹۰۲). تنوع تجربه دینی، ترجمه: حسین کیانی (۱۳۹۱). تهران: حکمت.
- وولف، دیوید (۱۹۹۷). روان‌شناسی دین، ترجمه: محمد دهقانی (۱۳۸۶). تهران: رشد.
- Allport, G. W.; Ross, M. (1967). "Personal Religious Orientation and Prejudice", in: *Journal of Personality and Social Psychology*, 5 (4): 432-443.
- Andersen, N.; Corr, P. J.; Furnham, A. (2021). "A Bibliometric Analysis of H. J. Eysenck's Research Output: Clarifying Controversy", in: *Personality and Individual Differences*, 169, 109935.
- Ashton, M. C.; Lee, K. (2014). "Personality and Religiousness", In: V. Saroglou (ed.), *Religion, Personality, and Social Behavior* (pp. 31-45), New York: Psychology Press.
- Batson, C. D.; Schoenrade, P. (1991). "Measuring Religion as Quest: 1) Validity Concerns", in: *Journal for the Scientific Study of Religion*, 30: 416- 429.
- Burris, C. T.; Tarpley, W. R. (1998). "Religion as Being: Preliminary Validation of the Immanence Scale", in: *Journal of Research in Personality*, 32: 55-79.
- Feagin, J. R. (1964). "Prejudice and Religious Types: A Focused Study of Southern Fundamentalists", in: *Journal for the Scientific Study of Religion*, 4: 3-13.
- Francis, L. J. (2007). "Introducing the New Indices of Religious Orientation (NIRO): Conceptualisation and Measurement", in: *Mental Health, Religion & Culture*, 10: 585-602.
- Francis, L. J.; Fawcett, B. G.; Robbins, M.; Stairs, D. (2016). "The New Indices of Religious



Orientation Revised (NIROR): A study among Canadian Adolescents Attending a Baptist Youth Mission and Service Event”, in: *Religions*, 7 (5): 56.

Ghorbani, N.; Watson, P. J.; Ghramaleki, A. F.; Morris, R. J.; Hood, R. W., Jr. (2002). “Muslim-Christian Religious Orientation Scales: Distinctions, Correlations, and Cross-cultural Analysis in Iran and the United States”, in: *International Journal for the Psychology of Religion*, 12: 69–91.

Gorsuch, R. L.; McPherson, S. E. (1989). “Intrinsic/ extrinsic Measurement: I/E-revised and Single-item Scales”, in: *Journal for the Scientific Study of Religion*, 28: 348–354.

Gringarten, H.; Fernández-Calienes, R. (2014). “How to Write and Publish a Book Review in a Marketing Journal”, in: *Strategic Management Review*, 8 (1): 91-107.

Haque, A.; Masuan, K. A. (2002). “Religious Psychology in Malaysia”, in: *International Journal for the Psychology of Religion*, 12 (4): 277-289.

Hoge, D. R. (1972). “A Validated Intrinsic Religious Motivation Scale”, in: *Journal for the Scientific Study of Religion*, 11: 369-376.

Ingram, H. M.; Mills, P. B. (1989). “Reviewing the Book Reviews”, in: *PS: Political Science & Politics*, 22 (3): 627-636.

Isaak, S. L.; James, J. R.; Radeke, M. K.; Krauss, S. W.; Schuler, K. L.; Schuler, E. R. (2017). “Assessing Religious Orientations: Replication and Validation of the Commitment-Reflectivity Circumplex (CRC) Model”, in: *Religions*, 8 (10): 208.

Ji, C. C.; Ibrahim, Y. (2007). “Islamic Doctrinal Orthodoxy and Religious Orientations: Scale Development and validation”, in: *The International Journal for the Psychology of Religion*, 17 (3): 189-208.

Kato, H. (2016). “The Relationship between the Psychology of Religion and Buddhist Psychology”, in: *Japanese Psychological Research*, 58 (Suppl. 1): 70–84.

Krauss, S. W.; Hood, R. W., Jr. (2013). *New Approach to Religious Orientation: The Commitment-reflectivity Circumplex*, New York: Rodopi.

Nielsen, M. E. (1991). “Religious Orientation among Mormons”, in: *Issues in Religion and Psychotherapy*, 17: 105–120.



- Nielsen, M. E.; Silver, C. F. (2015). "Strategies and Resources for Teaching Psychology of Religion", In: D. S. Dunn (ed.), *The Oxford Handbook of Undergraduate Psychology Education* (pp. 577-588), Oxford: Oxford University Press.
- Zinkhan, G. M.; Clark, T. (1995). "The Role of Books and Book Reviews in the Knowledge Dissemination Process", in: *Journal of Marketing*, 59: 106-108.

